



اصل «عدم نقل»؛ راه‌حلی برای شبهه هرمنوتیکی ناتوانی در فهم عینی متن

برخی از هرمنوتیست‌های فلسفی فاصله زمانی بین عصر مفسر با زمان پیدایش متن را مانع جدی فهم عینی متن تلقی کرده‌اند و اصل عقلایی «عدم نقل» که از سوی عالمان علم اصول مطرح شده، راه‌حلی برای رفع این شبهه است.

برخی از هرمنوتیست‌های فلسفی فاصله زمانی بین عصر مفسر با زمان پیدایش متن را مانع جدی فهم عینی متن تلقی کرده‌اند و اصل عقلایی «عدم نقل»؛ که از سوی عالمان علم اصول مطرح شده، راه‌حلی برای رفع این شبهه است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا شاکرین، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا شاکرین، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و نویسنده کتاب «171#؛ مبانی و پیش‌انگاره‌های فهم دین»؛ در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره راه‌کارهای عقلایی فهم متن از منظر اندیشمندان شیعه و معیارهای ارائه شده از سوی آنان در تشخیص خطای مفسران اظهار کرد: این مسئله یکی از مباحث بسیار مهم است که چگونه می‌توان از کج‌فهمی فاصله گرفت و خطاها را مورد شناخت قرار داد. برای این‌که بتوانیم این کار را انجام دهیم، در درجه نخست باید بدانیم که راز کج‌فهمی چیست و چرا فهم انسان به خطا می‌رود و چیزی را نادرست می‌فهمد، تا بتوان راه‌های پیشگیری از آن را به دست آورد.

عوامل کج‌فهمی و فهم نادرست

وی با اشاره به این‌که خطاها انواع و اقسام و زمینه‌های بسیار متفاوتی دارد، افزود: اتفاقاً یکی از بحث‌هایی که در کتاب «171#؛ مبانی و پیش‌انگاره‌های فهم دین»؛ کرده‌ایم و در مباحث هرمنوتیکی نیز گاهی مورد بحث قرار می‌گیرد، راز کج‌فهمی است. در رابطه با این مسئله باید گفت که کج‌فهمی از چند جا ممکن است ناشی شود که یکی از آن‌ها همان پیش‌فرض‌هاست و اگر کسی در مقام فهم متن یا تحلیل يك واقعه و تفسیر آن و به‌طور کلی آنچه که در حوزه فهم قرار می‌گیرد، دارای پیش‌فرض‌های نادرستی باشد، این پیش‌فرض‌ها طبیعتاً ذهن انسان را به سمتی جهت می‌دهد که در جایی به فهم نادرستی برسد.

پیش‌فرض‌های نادرست

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی خاطرنشان کرد: این پیش‌فرض‌های نادرست در حوزه فهم دینی می‌تواند، پیش‌فرض‌های هرمنوتیکی پیش‌فرض‌های هرمنوتیکی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، خداشناختی، دین‌شناختی و... باشد و انسان در هر کدام از این حوزه‌ها اگر پیش‌فرض نادرستی داشته باشد، این امر طبیعتاً در کج‌فهمی او مؤثر خواهد بود.

توجه نداشتن به دانش‌های پیش‌نیاز

شاکرین توجه نداشتن به دانش‌های مورد نیاز و پیش‌نیاز را از دیگر علل کج‌فهمی برشمرد و تصریح کرد: از جمله خطاهایی که در فهم و تفسیر رخ می‌دهد و منجر به کج‌فهمی می‌شود، توجه نداشتن به دانش‌های مورد نیاز و پیش‌نیاز است؛ این خطایی است که در دوران ما شدیداً شایع بوده و به‌خصوص در اوایل انقلاب جریان‌های خاصی راه‌هایی را برای برداشت و استفاده از قرآن و تفسیر آن ارائه می‌کردند، بدون این‌که اساساً از دانش‌های لازم نسبت به آن استفاده کرده و مراحل و دوره‌های لازم را گذرانده باشند و این امر خود باعث کج‌فهمی‌های بسیار نادرست تا آنجایی می‌شد که گاه دیده می‌شد آموزه‌های دینی ما به کلی دگرگون می‌شد.

اصولیان معتقدند که اگر دیدیم که درك امروز ما درباره معنای آیه‌ای با معنای پیشینه آن متفاوت بود، آن معنایی که در زمان شارع بوده و با زمان صدور متن مطابقت می‌کند، معتبر است و نه معنایی که امروزه پدید آمده و معنای مستحدث و جدید است شتابزدگی در تفسیر

نویسنده کتاب «171#؛ مبانی و پیش‌انگاره‌های فهم دین»؛ شتابزدگی در تفسیر و ارائه تفاسیر قطعی بدون اتکاء به براهین را از دیگر موجبات کج‌فهمی در فهم متن برشمرد و عنوان کرد: شتابزدگی در تفسیر و ارائه تفاسیر قطعی بدون اتکاء به براهین و قرائن متصل و منفصل و نادیده گرفتن این قرائن نیز در کج‌فهمی انسان بسیار مؤثر است.

وی ادامه داد: از دیگر عوامل کج‌فهمی به‌خصوص در حوزه قرآن عدم توجه به ساختار زبانی قرآن است؛ این‌که آیا زبان قرآن شناختاری است یا نه؟ آیا این زبان سمبلیک است یا غیرسمبلیک؟ اگر زبان قرآن سمبلیک نیست چه ساختاری دارد؟ آیا ساختار قرآن ادبی، رمزی، عرفی و یا عقلایی است؟ آیا ساختار زبان قرآن جامع است؟ اگر جامع است، وجه جامعیت آن چیست؟ آیا بیشتر به شیوه ساختار نوشتاری است یا گفتاری و یا ترکیبی از این‌هاست؟ این‌ها مسائل بسیار مهمی است که اگر کسی در هنگام ورود به عرصه فهم قرآن بدان‌ها تضرع نداشته باشد، دچار کج‌فهمی خواهد شد.

توجه نداشتن به پیام جامع متن

این محقق و پژوهشگر جزئی‌نگری و عدم توجه به پیام جامع متن را از دیگر عوامل کج‌فهمی خواند و تصریح کرد: بحث جزئی‌نگری و عدم توجه به محتوا و پیام جامع متن و نیز عدم توجه به پیوند اجزای متن با همدیگر و نقش آنان در توضیح و تبیین همدیگر از جمله خطاهایی است که عرصه فهم و تفسیر معنای متن را تهدید می‌کند؛ به‌خصوص در حوزه قرآن این مسئله فوق‌العاده اهمیت دارد و توجه به يك یا دو آیه برای برداشت يك مسئله، بدون آن‌که کل قرآن مورد توجه قرار گیرد و آیات دیگری ناظر بدان مسئله دیده شود، خطاست و موجبات کج‌فهمی را فراهم می‌آورد.

تحمیل معنا به متن

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اضافه کرد: دخالت دادن انتظارات نادرست و تحمیل معنا به متن وضعی خطرناک و فاجعه‌بار در حوزه فهم متن است. همچنین توجه نداشتن به حجت‌های دینی و منابع تفسیر کننده کتاب آسمانی به‌خصوص تفاسیر معصومین (ع) و... از عوامل مهم کج‌تابی و کج‌فهمی است و طبیعتاً برای هر کدام از این‌ها راه‌حلهایی وجود دارد که می‌تواند بین انسان و فهم درست رابطه نزدیک‌تری برقرار کند.

فاصله زمانی عصر مفسر با زمان پیدایش متن و اصل 171؛ عدم نقل»

وی درباره نظریه برخی از هرمنوتیست‌های فلسفی که فاصله زمانی بین عصر مفسر با زمان پیدایش متن را مانع جدی برای دستیابی به مراد مؤلف دانسته و در نتیجه آن، با توجه به این فاصله زمانی، فهم عینی متن (برای نمونه قرآن) را ناممکن دانسته و به نسب‌گرایی در فهم متن و خداحافظی متن با مؤلف یا پدیدآورنده خود معتقد شده‌اند، اظهار کرد: یکی از مباحثی که در فصل دوم کتاب 171؛ مبانی و پیش‌انگاره‌های فهم دین»؛ که مربوط به مبانی معرفت‌شناختی است، همین فاصله تاریخی بین مفسر و متن است که از موارد مورد اشکال هرمنوتیست‌هاست و در این زمینه راه‌حلی نیز برای این مسئله ارائه شده است.

شاکرین افزود: در آنجا ما راه حل مرحوم شهید صدر را در این زمینه مطرح کرده و نکته‌ای را نیز بر آن افزوده‌ایم. در بیانی بسیار ساده می‌توان گفت که اولین راه حلی که عالمان علم اصول مطرح کرده‌اند، مسئله 171؛ عدم نقل»؛ است؛ به عبارت دیگر ما از يك سری اصول عقلایی در فرایند فهم استفاده می‌کنیم و یکی از آن اصول اصل 171؛ عدم نقل»؛ است.

این محقق و پژوهشگر در تشریح این اصل گفت: اصل 171؛ عدم نقل»؛ به این معناست که ما وقتی که کلمه‌ای را به کار می‌بریم یا آن را می‌شنویم و در واقع معنایی از آن می‌گیریم، معنایی که از طریق متن به آن منتقل می‌شویم، چگونه حاصل شده است؟ این معنا در درجه نخست تابع وضع است؛ یعنی در واقع زمانی واضع یا واضعانی آمده و آن واژه را در برابر آن معنا وضع کرده‌اند و سپس پذیرفته شده، مورد استعمال قرار گرفته و در ذهن‌ها قرار گرفته است. در نتیجه وقتی آن را در نوشته یا گفته به کار می‌بریم، آن معنا به ذهن منتقل می‌شود.

دخالت دادن انتظارات نادرست و تحمیل معنا به متن وضعی خطرناک و فاجعه‌بار در حوزه فهم متن است. همچنین توجه نداشتن به حجت‌های دینی و منابع تفسیر کننده کتاب آسمانی به‌خصوص تفاسیر معصومین (ع) و... از عوامل مهم کج‌تابی و کج‌فهمی است وی ادامه داد: معنایی گاهی در طول زمان عوض می‌شوند و وضع ثانوی پدید می‌آید؛ یعنی واضعی آمده و معنایی را وضع کرده و کثرت استعمال آن، وضع ثانوی و جدید و به اصطلاح علم اصول وضع 171؛ تعینی»؛ ایجاد می‌کند که آن را اصطلاحاً نقل (گذر کردن از معنای موضوع له اولی به معنای موضوع له ثانوی) می‌گویند. بنابراین 171؛ اصل عدم نقل»؛ يك اصل عقلایی است و بدان معناست که معنای يك واژه معنای خود برگشته باشد و وضع ثانوی یا جدید در معنای آن رخ نداده باشد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: یعنی اگر ما تحقیق کردیم و در متون تاریخی نیز چیزی نیافتیم که دال بر چنین اتفاقی باشد، روشن می‌شود که این واژه در گذشته نیز به همین معنا به کار می‌رفته است، مگر این‌که به قرائن و

اطلاعاتی دسترسی پیدا کنیم که آن قرائن بر ما ثابت کند که آن قبلاً معنای دیگری داشته و اکنون دیگر آن معنا مراد نیست؛ بنابر این اصل اولیه اصل «عدم نقل« است.

وی افزود: اصولیان این اصل را به کار برده‌اند و ما در عین به‌کارگیری عقلایی این اصل، می‌توانیم با سیر قهقرایی در طول تاریخ و مطالعه پیشینه ببینیم که آیا این معنا ثابت مانده یا نه؟ مثلاً اگر امروز در باب معنای واژه‌ای چیزی درمی‌یابیم، وقتی که برای نمونه به يك كتاب لغت قرآن که صدها سال قبل از ما نوشته شده مراجعه می‌کنیم و می‌بینیم که همان معنا را در توضیح این لفظ به کار برده، درمی‌یابیم که چنین نقلی صورت نگرفته است و درك امروز ما با درك آن زمان یکسان است.

شاكرين اظهار كرد: اصوليان معتقدند كه اگر دیدیم كه درك امروز ما درباره معنای آیه‌ای با معنای پیشینه آن متفاوت بود، آن معنایی كه در زمان شارع بوده و با زمان صدور متن مطابقت می‌کند، معتبر است و نه معنایی كه امروزه پدید آمده و معنای مستحدث و جدید است؛ بنابراین ما راهی برای به دست آوردن ظهورات اولیه يك كلام در زمان خود شارع در اختیار داریم و آن را برای خود معتبر می‌دانیم.